

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۲۸ اگست ۲۰۲۴

پیامدهای جنگ غزه

آنچه به مدت ده ماه به سر مردان، زنان و کودکان بی‌پناه و بی‌دفاع در غزه آمده است، مورد قبول هیچ انسان آزادیخواه نیست. اخبار و تصاویر پخش شده از سوی این یا آن بسیار تکان‌دهنده و غم‌انگیز است. پس هر اندازه از آنجا گفته و مخابره می‌شود، به‌دور از حقیقت نیست. برای اینکه بعد توحش زیاده‌خواهان و زورگویان بسیار زیاد و نا پایان شده است. دولت‌ها و دسته‌های ارتجاعی به یاری قدرت‌مداران بزرگ بین‌المللی مردم را در میدان‌های تنگ و باریک و آن‌هم بدون کمترین امکانات اولیه زندگی همچون آب، نان، برق و سرپناه به حال خود رها کرده‌اند تا سیاست‌های جنگی و تخریب بیش‌ازپیش خانه‌های آن‌ها را پی گیرند؛ نسلی را کشته و بر شانه‌های نسل‌های بعد از آن، اثباتی از معضلات و مشکلات روحی و روانی اضافه کرده‌اند تا دنیا را بر پایه میل و رغبتشان سازمان دهند.

یقیناً روایت جنگ را می‌شود برحسب تمایلات سیاسی خود تعریف کرد، اما ثمره و تأثیرات مخرب آن را نمی‌شود، نشنید، یا نادیده گرفت. کسی [حتی نهادها و ارگان‌های وابسته به طبقه سرمایه‌داری] منکر اوضاع دردناک غزه نیست؛ کسی در ظاهر [منظور دولت‌ها و حکومت‌مداران] به جنایات اسرائیلیان در حق مردم غزه صحنه نمی‌گذارد، اما در خلوت با اطلاعات رسانی و با ارسال سلاح‌های مخرب و مرگبار، عملاً در جبهه دولت اسرائیل و پس زدن مردم غزه از سرزمین موطنی‌شان هستند. پس قضاوت پیرامون حال و احوال این روزهای مردم غزه، و متعاقباً درک سیاست‌جانیان و عاملان سرکوب همچون دولت امریکا و دیگر شرکای ذینفع جنگ دشوار نیست، مگر آن که در خلاف حقیقت قرار گرفت. هزاران کشته، زخمی، مفقود، آواره و معلول نتیجه سیاست‌های امپریالیستی در قبال زندگانی بیش از دو میلیون توده محروم غزه است. بر اساس گزارش سازمان ملل متحد تاکنون بیش از ۴۰ هزار نفر کشته و ۲۰۰ هزار نفر زخمی شده‌اند؛ تا به حال نوار غزه بیش از ۴ میلیون تن آوار بر جای گذاشته است که هزینه آواربرداری آن حدود ۶۰۰ میلیون دالر برآورد شده است؛ نیز بازسازی همه خانه‌های ویران‌شده تا سال ۲۰۴۰ ادامه و ۴۰ میلیارد دالر هزینه خواهد داشت. به دنبال بانک جهانی اعلام کرده است ۱ میلیون نفر در باریکه غزه فاقد مسکن هستند و ۷۵ درصد آواره شده‌اند و بیش از نیمی از ساکنان آن در آستانه قطعی قرار دارند.

به‌طور قطع آمار و ارقام فوق تنها گوشه‌ای هر چند کوچک و ناکامل از اتفاقات نزدیک به یک سال جنگ بی‌وقفه در نوار غزه است و شوربختانه و از قرائن پیداست که دور فعلی حاضر به بازایستادن نیست. فراتر این که دامنه

تشنج‌های سیاسی، نمود خود را در تخریب خانه‌های بیش‌ازپیش مردم، درگرفتن جان هزاران کودک و زن در دیگر جوامع هم‌جوار [همچون لبنان] نشان می‌دهد. پیش‌تر آمده است این خواست و جنگ مردم و حامیان دنیای برابر نیست؛ آمده است دلیل اصلی این موضوع، تسلط به منابع غنی [گاز، نفت] و فرمانروائی آبراه کشتی‌رانی، [در غزه]، کنترل سیاسی بیش‌ازپیش منطقه، تصاحب زمین بیشتر و تداوم شهرک‌سازی در مناطق اشغالی فلسطین توسط راست‌ترین عناصر دولت اسرائیل هست. در چنین چهارچوبی گُشتند و خراب کرده‌اند تا سیاست‌های جنگ‌طلبانه و غارتگرانه خود را دنبال کنند؛ انسان‌های بی‌دفاع را در میدان‌های بدون پشت‌پناه گیر داده‌اند و آن‌چنان جنایاتی در حق آنان مرتکب شده‌اند که تا ابد بر دوش باقی‌ماندگان و انسان‌های آزادیخواه سنگینی خواهد کرد؛ به بهانه مبارزه با داعش و حماس و دیگر دار و دسته‌های دست‌ساز و ارتجاع، دنیا و مناطق محروم را مورد یورش قرار داده‌اند تا مانع رشد و نضج جنبش‌های اعتراضی و رادیکال گردند.

عجب حکایت و مصیبتی شده است که هیچ نهاد و دولتی عملاً طرف مردم غزه نیست. جلسه‌های ادامه دار و تصویب قطعنامه‌ها یکی پس از دیگری از سوی سازمان ملل متحد و حقوق بشر هم نه‌تنها به کاری نیامده بلکه یکبار دیگر به این حقیقت صحنه گذاشته است که نهادها و سازمان‌های دست‌سازشان، از خودشان و از حامیان نظام امپریالیستی و دولت‌های سرکوبگر و وابسته‌ای همچون دولت اسرائیل هستند. چطور می‌شود خبرهای غم‌انگیز را خواند و نیز صحنه‌های دل‌خراش روزانه را مشاهده کرد و به تنفر خود نسبت به بانیان وضعیت کنونی نیفزود؟ چطور می‌شود جوانان و کودکان [آن‌هم به‌عنوان آینده‌سازان جامعه انسانی] را از حیات و هستی‌شان محروم کرد و آن‌وقت صحبت از انسانیت و دفاع از حقوق آنان به میان آورد؟ چطور می‌شود بیمارستان‌ها و مدارس را مورد هدف قرارداد و در همان عین حرف از آزادی و حقوق برابر انسان‌ها زد؟

در یک‌کلام همه آن‌ها ریاکار، کلاش و دروغ‌گو هستند و در عمل نشان داده‌اند نره‌ای به فکر جوانان، کودکان و بی‌سرپناه‌ها، آسایش و زندگی آرام بشریت نیستند؛ همه‌شان نشان داده‌اند سوار در قطار واحد هستند و کمترین تفاوتی از همدیگر ندارند. شروع جنگ‌های تازه و تداوم آن به قیمت از بین بردن زیرساخت‌های دو، سه، چهار، پنج کشور و خلاصه کُشتار ده‌ها میلیون مردم سرتاسر جهان، به وظایف روزانه و روتینشان تبدیل و کاملاً محرز شده است از این طریق قادر به حکومت‌داری هستند. ظاهراً از یک‌طرف خواهان پایان جنگ و از طرف دیگر [عملاً] در پی حمایت بیش‌ازپیش سیاسی و نظامی دولت اشغالگر اسرائیل هستند. سلاح‌های کُشنده و رنگارنگ به منطقه سرازیر کرده‌اند تا به خیال خود جامعه اطراف را از شر نهادها، دسته‌های مسلح و وابسته رها کنند! سیاست زهرآلودی که، از دیرباز فضای بخش‌های متفاوت جهان را احاطه کرده است و بی‌سبب نیست، جهان غرق در جنگ‌های ارتجاعی مطابق با منفعت کمپانی‌های تسلیحاتی و سودجویان شده است. نمونه‌ها در این خصوص زیاد هستند و واضح‌تر این که عوارض و اثرات مخرب آن‌ها را می‌شود در زیرساخت‌ها و در فضای جوامع کم‌درآمد از امریکا، المان، انگلستان و فرانسه گرفته تا کشورهای وابسته و درگیر جنگ همچون عراق، افغانستان، لیبیا، یمن، لبنان، اسرائیل و امثالهم مشاهده کرد. بنا به گزارش رسانه‌های جمعی از زمان چرخه جدید جنگ در سرزمین‌های اشغالی [غزه]، بیش از ۴۶۰۰۰ شرکت در اسرائیل ورشکسته شده‌اند، صنعت توریسم و گردشگری تا حد بسیار زیادی متوقف شده که برابر با ۹.۵ میلیارد دالر یعنی تقریباً شامل ۲ درصد درآمد ناخالص ملی اسرائیل است. همچنین بنا به گزارش رویترز اقتصاد اسرائیل در سال گذشته به میزان ۵ درصد کاهش داشته که از اکتوبر سال گذشته به ۱۹ درصد رسیده است؛ بیشتر این که ۱ میلیون نفر به دلیل ترس و وحشت از راکت پرانی مدافعان جنگ‌های ارتجاعی، از

اسرائیل خارج‌شده‌اند و بیش از ۵۰۰ هزار نفر از فلسطینیان در بخش ساختمان‌سازی کارشان را به دلیل سیاست‌های ضد انسانی از دست داده‌اند.

از این رو جنگ به یکی از رکن‌های اساسی نظام امپریالیستی و دولت‌های وابسته و همچنین از زمره سیاست‌بنیادین صاحبان تسلیحات، راه و ساختمان‌سازی تبدیل شده و در چنین چارچوبی برنامه‌نویسان اصلی جنگ، بازیگران سیاسی را پیشاپیش انتخاب و سازمان می‌دهند تا دست جناح‌های رقیب را از ثروت‌های جوامع سرشار از منابع طبیعی کوتاه کنند؛ جنگ‌های ارتجاعی که متأسفانه روز به روز پهنه آن گسترده و گسترده‌تر می‌شود و زندگی مردم را تباهن‌تر می‌کند. دهه‌هاست پهنه جهان غرق در جنگ‌های ارتجاعی شده است، برای این که هیچ سازمان، نهاد و دسته مقابل دولت‌های امپریالیستی به طور سازمان‌یافته حضور ندارد و بی‌سبب نیست که بانیان آن [دولت‌های امپریالیستی] کمترین ترس و اضطرابی از تغییر ساختار اقتصادی حاکم در جامعه ندارند. نظر به این که سوها معین، منفعت‌ها مشخص و سازمان‌های پیشبرنده جنگ انتخابی هستند. پس هیچ راه در رو از وضعیت فعلی وجود ندارد مگر آن که به پائین تکیه کرد و سازمان و نهاد وابسته به پائین را شکل داد. آن وقت مجال برای تغییر شرایط جنگ مطابق با منافع طبقه سرمایه‌داری فراهم، و مهم‌تر این که زمینه برای بهبود ساختار معادل با منفعت سازندگان اصلی جوامع بشری ممکن خواهد شد.

۲۶ اگست ۲۰۲۴

۵ شهریور-سنبله-۱۴۰۳